مورخ ٢٣ یا ۲۶ اکتوبر ١٩١١ در منزل مبارک در پاريس: در بارهٔ فضیلت علم

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ٢٣ یا ۲۶ اکتوبر ١٩١١ در منزل مبارک در پاريس:در بارهٔ فضیلت علم[[1]](#footnote-1)

#### (خطابات جلد اول، ص. ۶۴ـ۶۹)

هُوالله

اعظم فضائل عالم انسانی علم است. علم سبب ظهور فيض الهيست. علم کاشف اسرار است. علم نظير آئينه ايست که صور اشياء در آن مرتسم. علم به هر شخصی معلومات بر جميع ميدهد و هر فردی ازافراد انسانيرا عبارت از جميع بشر می کند. زيرا علم آنچه جميع اکتشاف کرده اند يعنی معلوما ت جميع بشر را بانسان تعليم می کند. علم است که انسان را مطلع بر جميع وقائع زمان سابق می نمايد. علم است که انسان را کاشف اسرار مستقبل می کند.

ملاحظه کنيد که جميع کائنات کبيره و صغيره اسير طبيعتند. مثلاً آفتاب اسير طبيعت است، جميع سيارات جميع نجوم ساطعه اسير طبيعتند. عناصر اسير طبيعتند. جماد و نبات و حيوان اسير طبيعتند و از تقاضای طبيعت تجاوز نتوانند . اين آفتاب باين عظمت از مدار خويش ابداً تجاوز نتواند و اراده ندارد، اسير طبيعت است وحوش و طيور اسير طبيعتند. دريای باين عظمت اسير طبيعت است. کره ارض، اسير طبيعت است، ادنی تجاوزی از قانون طبيعت نتواند. ولی انسان حاکم بر طبيعت است قواعد و احکام طبيعت را ميشکند بر طبيعت حکم می کند. مثلاً بمقتضای طبيعت انسان ذی روح خاکيست مثل سائر حيوانات. مقام و مقرش خاکست. با وجود آنکه ذی روح هوائی و آبی نيست، قانون طبيعت را ميشکند در روی دريا جولان ميدهد محيط اکبر را قطع ميکند در هوا پرواز می نمايد و در زير دريا سير می کند. اين قوه برقيه که مشاهده می کنيد با وجود آنکه عاصی تر و سرکشتر از او قوه ئی نيست، چون بکوه زند تا بن خرق کند، ولی انسان او را ميآورد حبس ميکند. در دقيقه ئی شرق و غرب مخابره می نمايد. صوت آزاد را در آلتی حبس نمايد عکس انسانرا که سايه ئی زائل است، ثابت ميکند. جميع اين امور خارق طبيعت است. اين است که انسان حاکم برطبيعت است اين فضيلت را آيا انسان از چه حاصل کرده است؟ از علم حاصل شده.

پس معلومست که علم اعظم فضائل انسانی است. خرق عادات و هتک قوانين طبيعت مختص به علم است. حالا که خدا به انسان چنين قوه و استعدادی عنايت فرموده که خرق عالم طبيعت کند، حيف است اين موهبت را در امور مضرّه تلف نمايد. حيف است در بغض و عداوت مجری دارد. حيف است در ظلم و تعدّی صرف نمايد. بايد اين قوت را در احيای نفوس مبذول دارد، در خير عمومی صرف کند و در صلح وصلاح بکار برد در معموريت عالم و راحت نفوس و الفت و محبت بين بشر حصر نمايد. اينست موهبتی که حقيقت انسان از آن تزيين يابد.

اميدوارم که تمام موفق به آن باشيد، فکرتان اين باشد که اين نفوس دانا شوند و عموم تحصيل علوم و فنون کنند و زمان تحصيل علم از بدايت حيات تا نهايت حيات است، و به واسطه علم سبب محبت من علی الارض شوند و سبب صلح اکبر گردند تا به عون و عنايت الهيه بنيان جنگ بر افتد و اساس صلح و محبت گذاشته شود تا در دو جهان کامران گرديد. در اين خصوص من دعا ميکنم که به آن موفق شويد.



1. نطق مبارک ٢ ذی القعده سنه ١٣٢٩ در منزل مبارک در پاريس ٢٣ اکتوبر سنه ١٩١١ [↑](#footnote-ref-1)